

متن پرسش

با سلام: با ده نکته از معرفت النفس شروع کردم و وارد مباحث معاد شما شدم. هر چند بعضی از مسائل برایم مبهم بود در کل حس حضور نسبت به معاد و برزخ را در وجودم حس می‌کردم و روز به روز شیفته تر نسبت به معاد شما می‌شدم و عاشقانه معاد را دنبال می‌کردم. وقتی شما حالات خواب را بیان می‌کردید همه را در وجود خودم حس می‌کردم. آن روز متوجه حرفهای شما نبودم که می‌فرمودید بعضی ها ممکن است مجتهد باشند ولی در بحث معاد عوام باشند، استاد آن روز فکر نمی‌کردم این تفکر ملاصدرا مخالف داشته باشد ولی الان چند وقتی است که با چند مدل تفکر روبروی ملاصدرا هم آشنا شده‌ام! تفکری که اصلا مجرد بودن را رد می‌کند! اصلا تمام فلسفه را رد می‌کند! همه ی آیاتی که شما در مورد معاد ذکر می‌کنید مثل «یوم تبدل الارض غیر الارض» را جور دیگر معنا می‌کنند! استاد دچار یک بهم ریختگی فکری شده‌ام. وقتی می‌بینم تمام مبانی فکریم که در این یکی دو سال با آنها انس گرفته‌ام همه زیر سوال می‌رود، وقتی به علامه طباطبایی بدبین می‌شوم که نکند نظرات خودش را به قرآن تحمیل کرده باشد بهم می‌ریزم. استاد از کوچکی ظرفیت خودم بسیار ناراحتم، از اینکه نمی‌توانم درست را از غلط تشخیص بدهم از خودم ناراحت می‌شوم. استاد چگونه بتوانم بهتر بفهمم، چگونه معاد دقیق و بدون شبهه را بفهمم، استاد خواهشا مبسوط برایم بگویید تا اینقده بین دو راهی نمانم. یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انسان در میدان تقابل افکار می‌تواند فکر کند و رشد نماید. مگر به ما توصیه نشده است در قرآن تدبر کنیم؟ پس معلوم است با برخورد سطحی با قرآن حرف اصلی قرآن ظهور نمی‌کند. عجله نکنید در قرآن تدبّر کنید تا حقایق برایتان روشن شود. علامه طباطبایی «رحمة الله علیه» در قرآن تدبر کرده‌اند. موفق باشید